

دام جهانی شدنی ، تعرض به دمکراسی و رفاه نوشته ی هانس پتر مارتین و هارالد شومن

ترجمه ی فریبرز جعفرپور

تبهکاری بی حد و مرز

تقلیل تحمیل گشته ی بودجه ی دولت ها ، مقام سیاستمداران را تا حد کارمندان تعیین مقدار کمبودها تنزل داده است. کارمندانی که با نسبت دادن تمامی ناملایمات به قدرت های فراتر اقتصادی ، از قبول هرگونه مسئولیتی در ایجاد این شرایط مصیبت بار سرباز می زنند. این امر بنای دولت های دمکراتیک را از پایه ویران می سازد. مشکلات مالی تنها یکی از عوامل بروز بیماری زوال سیاست است. اکنون دیگر در کنار از بین رفتن حاکمیت ارزی و مالیاتی یکی دیگر از ستون های حاکمیت ملی یعنی انحصار قهر دولتی نیز لرزان گردیده است. زیرا سازمان های جنائی فرا ملیتی نیز همانند بانک ها و کنسرن ها از پاره گشتن بندهای کنترل قانونی اقتصاد بهره می برند. پلیس و دستگاه قضائی تمامی کشورهای صنعتی از گسترش جهش وار تبهکاری سازمان یافته گزارش می دهند. یکی از کارمندان پلیس بین المللی با واقع بینی در این مورد می گوید: "آنچه که برای تجارت آزاد خوب محسوب می گردد برای تبهکاری نیز خوب می باشد." (۲۰) طبق تخمین های گروهی از کارشناسان که در سال ۱۹۸۹ از سوی هفت کشور بزرگ صنعتی مأمور رسیدگی به این امر گردیدند در دو دهه ی گذشته درآمد حاصل از فروش هروئین در بازار جهانی بیست برابر و فروش کوکائین پنجاه برابر گشته است. (۲۱)

آنکس که می داند چگونه می توان مواد مخدره را فروخت قادر خواهد بود برای هر چیز قاچاق دیگری نیز بازاری بیابد. در این میان سیگار قاچاق ، اسلحه ، اتومبیل های مسروقه و واردن کردن مهاجرین از راه های غیر قانونی به کشور های صنعتی ، منابع اصلی درآمدهای اقتصاد زیر زمینی را تشکیل می دهند. طبق برآوردهای نهادهای دولتی آمریکا ، مافیای چینی تنها از راه وارد نمودن مهاجرین غیرقانونی به آمریکا (برده داری مدرن) سالیانه ۲،۵ میلیارد دلار سود می برد. (۲۲)

رشد انفجار گونه ی قاچاق سیگار در اروپا حکایت از قدرت جدید کنسرن های تجاری غیر قانونی دارد. تا سال های اواخر دهه ی هشتاد فرار از پرداخت مالیات سیگار اساساً یک مشکل ایتالیائی محسوب می گشت. لیکن از سال ۱۹۹۰ سازمان های تبهکاری دارای تشکیلات منظم ، بازار داخلی اروپا را کشف کردند. دو سال بعد در آلمان ۳۷۴ میلیون نخ سیگار قاچاق ضبط گردید. این رقم در سال ۱۹۹۵

به هفتصد و پنجاه میلیون نخ رسید. ماموران گمرک این مقدار سیگار ضبط گردیده را پنج درصد کل سیگار قاچاق می دانند. اداره ی آگاهی گمرکات شهر کلن زیان های مالیاتی سالیانه ی ناشی از قاچاق سیگار را در آلمان یک و نیم میلیارد مارک برآورد می نماید. این زیان در سطح اروپا به شش تا هشت میلیارد مارک می رسد.

هانس یورگن کولب دادستان و رئیس اداره ی مبارزه با تبهکاری های اقتصادی واقع در شهر آگسبورگ که از سال ۱۹۹۲ این تبهکاری ها را مورد بررسی قرار داده است می گوید ، رونق قاچاق به خاطر ضعف دستگاه پلیس نیست. برای ما اسامی سازمان های تبهکاری و شکل کار آن ها کاملاً روشن است. (۲۳) سیگار های قاچاق غالباً از محصولات کارخانه های سیگار سازی آمریکا می باشند که به عنوان صادرات کاملاً قانونی وارد اروپا شده و در بنادر آزاد روتردام یا هامبورگ و یا سالن های "آزاد" سوئیس انبار می شوند. در اینجا در کنار وارد کنندگان قانونی اروپای غربی تجار ناشناسی که دفتر کارشان غالباً در قبرس ، لیختن اشتاین و یا پاناما است نیز مقادیر زیادی سیگار که ظاهراً برای صدور به کشورهای اروپای شرقی و یا آفریقا می باشند، سفارش می دهند. این سیگارها توسط کامیون های مهر و موم شده از طریق کشورهای اروپای غربی به سوی مقصد خویش حمل می گردند. لیکن هیچگاه به این مصد نمی رسند. بلکه قبل از رسیدن به مرز بعدی جای خود را به کالای دیگری می دهند. اگر مامورین گمرک به یکی از این کامیون ها مشکوک گردند راننده آن متوجه این امر گردد فوراً از طریق تلفن همراه به وی دستور داده می شود که راهش را به سوی مقصد اصلی آنقدر ادامه دهد تا از مرزهای متعددی عبور نموده و ازداد تعقیب کنندگان رهائی یابد. از آنجا که محموله ی هر کامیون حدود یک و نیم میلیون مارک سود به همراه دارد، می توان محموله ی این یا آن کامیون را قربانی نمود و یا به صورت قانونی از گمرک عبور داد. با توجه به ابعاد شدیداً در حال گسترش تجارت ، پلیس خواه ناخواه تنها قادر به کنترل بخش ناچیزی از حمل و نقل سیگار می باشد. با وجود این در بسیاری از مناطق مقادیر حیرت انگیزی سیگار قاچاق ضبط می گردد. لیکن این امر به امر قاچاق سیگار لطمه ی چندانی نمی زند. زیرا مامورین همیشه تنها کسانی را که در سطح حمل و نقل و توزیع فعال می باشند، دستگیر می کند . اما تشکل دهندگان قاچاق سیگار به مثابه تجاری محترم خارج از دسترس مامورین می باشند. کولب می گوید: "ما اسامی این افراد را در دست داریم ولی نمی توانیم به آن ها دسترسی یابیم." لیختن اشتاین و یا پاناما مکان هایی هستند که پلیس بین المللی در آن ها قدرتی ندارد.

یکی از مسائلی که مامورین پلیس را از این هم بیشتر می آزارد این است که آن ها قادر به توقیف ثروت های کنسرن های تبهکاری نیستند. بارآوری کار پلیس و دادگستری بهر میزانی هم که باشد دستیابی به سودهای کسب گشته در چهارچوب بی قانونی بازار مالی جهانی شده امکان ناپذیر باقی خواهد ماند. اسرار بانکی که بازار دارائی بین المللی چنان با چنگ و دندان از آن دفاع می نماید تنها به نفع قاچاقچیان و متقلبین مالیاتی است. بی جهت نیست که مهمترین بهشت های مالیاتی در امتداد مسیر اصلی قاچاق مواد مخدره قرار دارند. سوزان استرانگ اقتصاد دان انگلیسی در مورد نقش بهشت های مالیاتی در اقتصاد زیر زمینی می گوید: "پاناما

و باهاما به عنوان مراکز مالی قاچاق کوکائین شهرت دارند. همین نقش را هنگ کنگ برای سودهای ناشی از قاچاق هروئین از آسیای جنوب شرقی دارد. گیبراتا و قبرس مرکز مالی قاچاقچیان خاور نزدیک و ترکیه می باشند." (۲۴) در عین حال تغییر ماهیت بخش هائی از تجارت قانونی توسط سرمایه گذاران تبهکار با تصویب شدیدترین قانون های مقابله با شستشوی پول نیز قابل جلوگیری نیستند. یکی از بانکداران آلمانی به نام فولکر اشترایب که در گذشته برای کومرتس بانک در آسیا و آمریکا کار می کرد و اکنون شعبه ی برلین این بانک را رهبری می نماید بی پرده می گوید: "امروزه اگر بخواهید پول های ناشی از تبهکاری را شستشو دهی تقریباً در تمامی جهان بدون هیچ مشکلی قادر به این کار خواهید شد." (۲۵)

نتایج این امر وحشت انگیزند. بگفته ی کارشناسان امروزه تبهکاری سازمان یافته که سالیانه درآمدی در حدود پانصد میلیارد دلار دارد، یکی از آن بخش های اقتصادی است که دارای سریع ترین رشدی می باشد. در تحقیقاتی که دانشمندان دانشگاه مونستر آلمان برای اداره ی آگاهی آلمان انجام داده اند آمده است که در آلمان تا سال دو هزار تبهکاری هائی نظیر خرید و فروش انسان ها، بکارگیری کارگران قاچاق، فروش اتومبیل های سرقت شده و گرفتن باج و حق السکوت به مقدار سی و پنج درصد افزایش خواهند یافت. (۲۶) با انباشت سرمایه های سندیکاها تبهکاری قدرت این سندیکاها نیز در تطمیع شرکت های خصوصی و یا نهادهای دولتی و یا حتا به تصاحب درآوردن آن ها افزایش می یابد. هر چه نهاد دولت ضعیف تر گردد این امر ابعاد خطرناک تری به خود می گیرد. در روسیه و اوکراین و یا در کلمبیا و هنگ کنگ میان معاملات قانونی و غیر قانونی مرز مشخصی وجود ندارد. در این کشورها دیگر کسی نمی تواند تشخیص دهد که کدام یک از بخش های دستگاه حکومتی هنوز هم از قانون دفاع می نماید و کدام بخش ها فقط به دستور تبهکاران بر علیه رقبایشان می جنگند. ایتالیا نیز در مبارزه اش بر علیه مافیا با وجود دستگیری پر سر و صدای تعدادی از سران مافیا، هنوز پیروز نگشته است. سرمایه های رهبران قدیمی مافیا بدون هرگونه اصطحاکاتی به وارثین گمنام شان که اکنون در حال مدرن نمودن تشکیلات شان هستند، رسید. از مجموعه ی ثروت های چهار سندیکای بزرگ تبهکاری ایتالیا که در حدود صد و پنجاه تا دویست میلیارد مارک برآورد می شود تا ماه ژوئن ۱۹۹۶ فقط دو میلیارد و دویست میلیون مارک موقتاً توقیف شده است. وکلای مافیا برای آزاد نمودن دو سوم این مبلغ به این دلیل که گویا از معاملات قانونی کسب گردیده اند، در فعالیت اند. (۲۷)

این سندیکاها به تدریج شبکه ی تبهکاری خویش را به کمک بانک های شان به کشورهای ثروتمندی که ظاهراً هنوز حکومت هائی کارآمد دارند، گسترش می دهند. دیگر در آلمان نیز کشتن افراد به دست قاتل های حرفه ای امری عجیب نیست. در نیمه ی اول سال ۱۹۹۶ در اثر جنگ رقابت میان سازمان های مافیائی ویتنامی که قاچاق سیگار اروپای شرقی را در دست دارند نوزده نفر به قتل رسیدند. در عین حال مرز میان تجارت قانونی و غیر قانونی دائماً نامشخص تر می شود. کنسرن ها و بانک های خوشنام نیز به آسانی ممکن است بدون اطلاع رهبران شان به معاملات غیر قانونی کشیده شوند. زمانی که یک شرکت رقیب که توسط تبهکاران اداره می شود به شیوه های غیرقانونی عمل نماید، کارکنان کنسرن ها و بانک های خوشنام نیز به سرعت به وسوسه ی برگزیدن همان شیوه ها گرفتار خواهند گشت. از این گذشته درصد بالایی

رشوه ها نیز شرم رشوه گرفتن را از بین می برد. طبق يك همه پرسی شرکت بازرسی کا. پ. ام. گ. از کارمندان بخش مدیریت چند صد کارخانه و شرکت در هیجده کشور مختلف، تقریباً نیمی از آن ها به تبهکاری اقتصادی در حال رشد به مثابه مشکلی بزرگ می نگرند." (۲۸)

بدین طریق حکومت و سیاست در تمامی جهان هر چه بیشتر به موضع تدافعی کشانده می شود. حق انحصارات دولتی نیز، که روزگاری يك بخش مهم اقتصاد در برابر دسایس کارفرمایان بر علیه مصرف کنندگان و مالیات دهندگان بود، تأثیرات خویش را از دست می دهند: در بخش هائی از بازار جهانی شده همچون در صنعت حمل و نقل هوایی، شیمی و یا تولید فیلم و برنامه های رادیو-تلویزیونی دیگر حق انحصارات دولتی عمدتاً از بین رفته اند. دیگر چگونه می توان کنترل کرد که سه اتحادیه ی بزرگ حمل نقل اروپائی-آمریکائی لوفت هانزا، بریتیش ایرویی و ایر فرانس و بعد از به ورشکستگی کشانیدن رقبای کوچک خویش در پروازهای میان قاره ای، بر روی تعیین نرخ ها با هم تباخی نکنند. چه کسی می باید مواظب باشد که غول های وسائل ارتباط جمعی نظیر لئو کیرش، رابرت مارداک و یا سه کنسرن عظیم تیم وارنر-سی. ان. ان.، دیسنی-ای.بی.سی. و برتلزمن-سی.ال.تی. با هم تباخی نکرده و حوزه های نفوذ خویش را تعیین نکنند؟

پان است، کنترل و متعادل نمودن آن وظیفه ای ملی باقی مانده است. یعنی اقتصاد سیاست را می بلعد.

بر خلاف تصور شدیداً رایج، سترونی در حال رشد دولت ها بهیچوجه باعث کوچک تر گردیدن دستگاه دولتی و یا آنمحیط زیست نیز هر چه بیشتر مورد بی اعتنائی قرار می گیرد. دولت ها در رقابت جلب سرمایه گذاری کنسرن ها برنامه ی رفرف های حفظ محیط زیست خویش را یا به تعویق انداخته و یا بکلی بدست فراموشی می سپارند. در تابستان ۱۹۹۶ غالب پژوهشگران محیط زیست بر این نظر بودند که سیل های ویرانگر چین و سومین خشکسالی بزرگ قرن اخیر در آمریکا پیش درآمدهای فاجعه ی در حال ظهور آب و هوایی زمین می باشد که عامل اصلی آن غلظت در حال افزایش گازهای گلخانه ای در جو است. لیکن هیچ اقدامی در این راستا صورت نمی گیرد و درخواست های بعضی از وزرای محیط زیست نیز بیش از ناله هائی خسته بنظر نمی رسند.

لیست کوتاه آمدن دولت ها در مقابل آنارشیسم بازار جهانی را می توان تقریباً به دلخواه گسترش داد. دولت های تمامی کشورهای جهان قابلیت تأثیر گذاری بر روند تکامل هستی کشورهای خویش را از دست می دهند. نتایج نادرست ناشی از وفق دادن خویش با جهانی شدنی در تمامی سطوح آشکار می گردد. در حالیکه رود سرمایه و کالا در مقیاسی جهانی در جریان که کنیشتی اوها آینده نگر ژاپنی و رئیس گذشته ی موسسه ی مک کنزی آسیا حدس می زند "پایان دوران حکومت های ملی نمی گردد." (۲۹) زیرا حکومت ها و دولت هایشان به مثابه تنها مراجعی که شهروندان و انتخاب کنندگان بتوانند از آن ها تقاضای قبول مسئولیت و انجام تغییراتی را خواستار گردند، باقی خواهند ماند. این تصور نیز که اتحادیه ای از کنسرن ها، آنچنان که نشریه ی خبری نیوز ویک در نوشته ای آورده بود، قادر

خواهد بود خود نقش دولت ها را به عهده گیرد، بیش از یک خیالبافی نیست. (۳۰) هیچ رهبر کنسرنی حال هر اندازه قدرتمند نیز که باشد به این فکر نمی افتد که مسئولیت آنچه را که در خارج از چهار چوب کنسرن اش روی می دهد، به عهده گیرد. اصولاً وی را به این خاطر به کار نگمارده اند. هدایت کنندگان کنسرن ها اولین کسانی هستند که در مواقع بحرانی خواستار مداخله های دولتی هستند. از این رو دیوانسالاری در بسیاری از نقاط به جای کم گردیدن زیاد هم می شود. وزرا و کارمندان عاجز از انجام رفرم های عمیق ناچارند به سیاستی جانشین روی آورند. به عنوان مثال قانون حفظ محیط زیست آلمان در این میان بیش از هشت هزار بند را شامل می شود. این امر نه بخاطر میل سنتی آلمانی ها به ایجاد قواعدی کامل، بلکه بیشتر به خاطر حراست از شهروندان در مقابل خطرهای جانی ناشی از آلودگی های محیط زیست که از جلوگیری نمودن از پیشرفت شان عاجزند، می باشد. نتیجه ی چنین سیاستی گسترش بی انتهای دیوانسالاری است. همین اصل برای قوانین مالیاتی نیز صادق است. از آنجا که اقتصاد به دولت اجازه ی انجام یک رفرم مالیاتی از دید اجتماعی عادلانه را نمی دهد، سیاستمداران تمامی احزاب، دنیائی از تخفیف ها و استثنائات را برای این یا آن گروه اجتماعی بوجود آورده اند که ماموران وزارت دارائی نیز دیگر از تمایز آن ها از یکدیگر عاجز گردیده اند.

واکنش سیاست نسبت به خطر تبهکاری از همین انگاره لیکن با شیوه های بسیار پر ریسک تری پیروی می کند. از آنجا که سیاست قادر نیست اساس قدرت یعنی سرمایه های، به قول هرمان رگنبورگ سخنگوی وزارت داخله ی ایالت بایرن، "تبهکاران بازار" را مورد تعرض قرار دهد، مسئولین وزارت داخله ی تمامی کشورهای جهان کوشش می کنند دستگاه پلیس خویش را توسعه دهند. (۳۱) در بن نیز در ماه ژوئن ۱۹۹۶ اکثریت بزرگی از نمایندگان احزاب سوسیال دمکرات و دمکرات مسیحی در مجلس فدرال با وجود مخالفت های شدید مسئولین حفاظت از اسرار زندگی شخصی انسان ها، به نفع قانونی نمودن کنترل مکالمات تلفنی افراد توسط پلیس رای دادند. طبق قانون مزبور در آینده پلیس حق دارد تلفن هر شهروندی را در صورت مظنون گردیدن به وی کنترل نماید. ایالت بایرن حتا یک سال قبل از تصویب این قانون قانون به اصطلاح "تعقیب پوشیده" را به تصویب رسانید. از آن زمان پلیس اجازه دارد در هر زمان و مکانی بدون هر گونه دلیلی به کنترل افراد بپردازد و تنها بر پایه ی ظن می تواند هر شهروندی را دستگیر نماید. گسترش اصل کنترل شهروندان از هم اکنون مسیر راهی را که به آن پا نهاده شده است، نشان می دهد. هنگامیکه سیاست دیگر قادر نباشد فشار آناشیشیستی حاصل از بازارها را محدود نماید ناچار می گردد با عواقب این آناشیشیم بگونه ای بازدارنده مقابله نماید. ایجاد دولت های قدرتمندار جوابی به عجز سیاست در مقابل اقتصاد است.

همکاری بین المللی به مثابه یک استراتژی تقابلی اجتناب ناپذیر به دولت ها تحمیل می گردد. از مدت ها پیش دانشمندان، حافظین محیط زیست و سیاستمداران متعددی تمامی کشورهای جهان از پیوند تنگاتنگ تمامی سیاستمداران ملی شکوه دارند. و حقیقتاً نیز کشورها به ویژه کشورهای ثروتمند صنعتی همکاری های شان را در عرض چند دهه ی گذشته به شدت گسترش داده اند. مقدار تماس های بین المللی و پیمان های خارجی چهار برابر گردیده است. اروپای غربی پیمان های در مورد

ایجاد بازار داخلی و تشکیل اتحادیه ی اروپا و حتی شکلی از قانون گزار ی فراملیتی را بنا می نهند. زنجیره ای طولانی از کنفرانس های سازمان ملل ، نظیر کنفرانس محیط زیست ریودوژانیرو در سال ۱۹۹۲ و کنفرانس کنترل جمعیت زمین سال ۱۹۹۵ بیروت و کنفرانس سال ۱۹۹۶ استانبول در مورد آینده ی شهرهای جهان ، خبر از يك بین المللی شدن بی وقفه ی سیاست می دهند. چنین به نظر می رسد که این بین المللی شدن سیاست بتدریج نوعی هماهنگی میان دولت های جهان بوجود بیاورد. بتروس غالی دبیر کل سازمان ملل با تشکیل کمیسیونی از سیاستمداران گذشته جهان در سال ۱۹۹۵ برنامه ی همه جانبه ای را تهیه نمود که می باید حکومت کردن را در سراسر جهان بشکل مطلوبی سامان دهد. مرکز ثقل این برنامه "حکومت جهانی" رفرم در شورای امنیت سازمان ملل و تکامل دادن به آن از طریق ایجاد يك "شورای امنیت اقتصادی" است. این امر می باید به دمکراتیزه نمودن سازمان ملل و ایجاد يك قابلیت عمل جدید ، کمک نماید. (۳۲) در عین حال نهادهای سیاسی غیر دولتی نیز به فعالیت های خویش ابعادی جهان فراگیر داده اند. گرین پیس و سازمان عفو بین المللی مبارزات شان را جهت حفظ محیط زیست و احترام به حقوق بشر تقریباً به تمامی کشورهای جهان گسترش داده اند و در بسیاری از نقاط جهان به همان نسبت کواکولا و برنامه ی تلویزیونی ام.تی.وی، شهرت یافته اند. پیروزی مدافعان محیط زیست در مقابل کنسرن نفتی شل و حکومت بریتانیا در زمان مبارزه به خاطر جلوگیری از غرق نمودن جزیره ی شناور نفتی برنت اسپار در تابستان ۱۹۹۵ را بسیاری از ناظران به عنوان نوع جدیدی از سیاست فراملیتی ، يك نوع دمکراسی مصرف کنندگان توسط حضوری جهانی از طریق وسائل ارتباطی ، معنی می نمایند.

با این تفاسیر آیا جهان از طریق همکاری های جهان فراگیر در راه نجات ثبات اجتماعی و محیط زیست ، به هم نزدیکتر می شود؟ آیا تنها چند ضربه کافی است تا به ایجاد حکومتی جهانی کمک نمود؟ اگر از تعداد کنفرانس های علمی برگزار شده و نوشته های منتشر شده در مورد موضوعات مطرح گردیده در این کنفرانس ها حرکت کنیم ، می باید این دوران جدید در شرف وقوع باشد. اما نتایج تاکنونی چنین بشارتی را نمی دهند.

ادامه دارد

socialista@ois-iran.com

www.ois-iran.com